

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

محمد سرور رنا

موشن المان

۰۳.۰۳.۱۰

طرز دید پیروان دین مسیح و اسلام در باره ذات پاک خداوند جل جلاله

به ادامه گذشته:

انجیل یوحنا باب ۱۶ بند ۷ مینویسد:

عیسی گفت لازم است که من بروم ، زیرا اگر نروم تسلی دهنده نزد شما نخواهد آمد ، اما وقتی من بروم او را به سوی شما خواهم فرستاد. عین همین مطلب در بیشتر انجیل دیگر مورد قبول کلیسا نیز ذکر شده که تسلی دهنده پس از مفارقت عیسی ع خواهد آمد او نمیتوانست در آن زمان با عیسی پیامبر باشد، زیرا طبق اعتقاد ارباب کلیسا ، روح القدس همواره با عیسی ع بوده است جناب داوود عبد الاحد مدعی است :

باین تشریح ، مشروط شدن رفتن حضرت عیسی ع و آمدن حضرت محمد یعنی شرط رفتن یکی و آمدن دیگری بی معنی است ، مگر آنکه تصور شود که حضرت عیسی خالی از روح القدس بوده است . علاوه برین خود حضرت عیسی نشان میدهد که تسلی دهنده انسان است نه روح . در گفتار حضرت عیسی اضافه شده ، به آواز خود سخن نخواهد گفت بلکه آنچه رامیشنود به زبان خواهد آورد . اگر این محمد ص نباشد کی باید باشد ؟؟؟؟ کسی حضرت عیسی را خواندند و کسی روح القدس را با تمام سختگیری ها و جعل کاری ها ، حقیقت آمد به میان که آن است محمد سردار پیامبران.

حکمی نبی نیز یکی از جمله پیامبران بنی اسرائیل میباشد که دوهزار سال قبل از ولادت حضرت محمد آمدن شان را چنین بشارت میدهد

دو صد سال بعد از سقوط پادشاهی اسرائیل به دست کلدانی ها و تبعید همه افراد اسباط ده گانه به اثور و خراب شدن معبد با شکوه سلیمان ع یکده از قبایل یهودا و بنیامین که از کشتن ، جان به سلامت برده و به بابل منتقل شدند ، هفتاد سال بعد از اسارت در بابل ، اجازه برگشت به وطن خود را حاصل کرده و به سرزمین آبیائی مراجعت کردند، حین وصول به وطن از دیدن خرابی های آثار تاریخی مخصوصاً معابد بزرگی که توسط داوود و سلیمان علیهما السلام

باعظمت و جلال خاص تعمیر شده بود، می گریستند و با دل پر خون به هرسو می نگریستند و طبق آیت ۷ فصل حکمی نبی مندرج تورات عهدعتیق خالق بی نیاز حکم نبی را برای مردم مغموم و گریه آلود و جگر خون بنی اسرائیل فرستاد و دستور فرمود که این پیام تسلی بخش را به این جماعت ابلاغ کند.

(خداوند لشکرها می فرماید که تمامی ملل و طوایف را تکان خواهد داد، حمده همه ملتها خواهد آمد و من این خانه را مملو از جلال خواهم کرد. خداوند لشکرها می فرماید که نقره از آن من است و طلا از آن من است. خداوند لشکرها می فرماید که خانه آخرین من از خانه اولین من جلال و عزت عظیم تری خواهد داشت و خداوند لشکرها می فرماید که درین مکان شالوم خواهم بخشید). درین گفتار حکمی نبی اگر خوب توجه کنیم به دو کلمه مشخص برمی خوریم، حمده و شالوم - همه دانشمندان اسلام به این عقیده میباشند که این پیشگویی در شخص احمد و استقرار اسلام کاملاً به حقیقت پیوسته است. به دلایل آتی - اصلاً فعل حمد در زبان عربی از زبان سامی که به عین شکل ستایش کردن می باشد آمده است. همچنین کلمه احمد عربی، و در عبری حمده است. همینطور درباره ریشه کلمات شالوم، شلامه و اشکال عربی آن یعنی سلام و اسلام، باید گفت تمام کسانی که به زبانهای سامی آشنا میباشند، میدانند که شالوم سامی و اسلام عربی هر دو از يك ریشه واحد مشتق شده و به معنی صلح و تسلیم و رضامندی است. پس اگر قرار باشد که آن پیشگویی الهی را جدی تلقی کنیم باید کلمه حمد را به صورت اسم ذات یعنی يك شخص معین در آ و ریم و شالوم را نیز يك نیروی واقعی فعال، يك دین مطلقاً مستقر بدانیم، جز محمد، و دین اسلام، کی و چه میتواند باشد؟

بناء به قول جناب داوود عبد الاحد، همین معجزه ای که بی بی آمنه نام پسر بی پدر خود را احمد که اسم صفت است و در آن عصر و زمان در بین بنی اسرائیل و بنی اسماعیل مانند چنین اسم قطعاً مروج نبود میگذارد جهت اثبات پیامبری حضرت محمد کافی نیست؟ به علاوه جز دین اسلام دیگر ادیان نام به خصوص نداشته دین موسی دین یهود و دین عیسی گفته میشد که تا امروز به همان اسم مسمی میباشند، کافی است که بگوئیم شخصیت مورد نظر تمام پیامبران بنی اسرائیل حضرت محمد و شریعت آتشین دین اسلام است. همه میدانیم که این ادیان آسمانی نه از موسی، نه از یهودا و نه از عیسی و نه از محمد علیهما السلام میباشند بلکه دین و مقررات آسمانی و دستور الهی به منظور برقراری صلح و امنیت بین بشریت و سعادت انسانها است و همین که حضرت باری تعالی به حضرت محمد ص به وسیله قرآن کریم فرمودند این دینی را که تو از آن پیروی میکنی تکمیل و تمام کرده بر آن اسم اسلام گذاشتم، آنگاه در اختیار تو قرار یافته است.

پیشگویی پیغمبر دیگر بنی اسرائیل به نام ملاکی یا ملاخی

در آیت اول فصل سوم آخرین قسمت تورات که مسمی به ملاکی است از جانب خداوند عظیم الشان ج برایش چنین وحی میرسد:

(به هوش باشید که رسول خدا را خواهم فرستاد و او راه را در برابرم آماده خواهد ساخت، او ناگهان به هیکل این معبد خواهد آمد، سروری است که آرزویش را دارید، رسول میثاق است، از او شادمان خواهید شد، خداوند لشکرها میفرماید بدانید او خواهد آمد).

حالا میبینیم که قرآن کریم در همین رابطه در سوره سبأ الذی اسری چه میفرماید (پاك و منزه است خدای که شبی بنده خود محمد را از مسجد حرام به مسجد اقصی که پیرامونش را مبارك و پر نعمت ساخت سیر داد).

اسناد دوگانه تورات وحی برحکی و ملاخی انبیا «که قبلاً توضیح گردید نشان میدهد که منظور از شخصی که ناگهان به مسجد اقصی خواهد آمد، خلاف ادعای عیسویان که حضرت عیسی ع را میشناسند حضرت محمد است به دلایل زیاد که توضیح همه باعث طول کلام میگردد. خلاصه اش اینکه:

اگر به قول عیسویان تصور شود که این پیشگویی مربوط به حضرت عیسی بوده خود به خود رد میشود، اولاً - درحالی که عیسویت حضرت عیسی را خدا میشناسند، پس چگونه اومیتواند طریقی را پیش روی یهوه صباوت آماده سازد؟ یانعوذآبا لله خودیهوه باشد ، پس گوینده این پیشگویی کیست؟ و آن یهوه دیگر که می بایست طریق پیشروی آن آماده شود کدام است؟ و اگر حضرت عیسی را مانند همگان يك سان، یعنی يك آدم عادی و معمولی بشناسیم، از لحاظ کلیسای تثلیث قابل قبول نیست زیرا آنها حضرت عیسی ع را خدا میشناسند که، درین صورت نمیتواند، بنیان گذار، مذهب پدر، پسر و روح القدس باشد. شخص مورد نظر ملاخی نبی درین پیشگونی دارای سه خصوصیت است فرستاده دین آور است ، فرمانده بزرگ است و رسول میثاق میباشد که ناگهان به خانه خدا، (مسجد یا معبد) خواهد آمد ، مردم طالب او و در جستجویش هستند و همه از او مسرور خواهند شد. پس باید پرسید که این بزرگ مرد با جلال و شکوه، این خیر خواه و این خیر اندیش بزرگ کیست؟ آیا غیر از محمد که درود بروی باد کسی دیگری شده میتواند؟

يك پیشگونی از حضرت یعقوب ع در باره آمدن محمد (ص)

این پیامبر به حق خدا در آوان سن ۱۴۷ سالگی، موقعی که میداند به لقاء الله میپیوندد ، همه پسران ۱۲ گانه و باقی فامیل را در کنار خود خواسته و درباره آینده پیشگوییهای میکند که به نام وصایای قیمتدار یعقوب نامیده میشود و بابیان زیبا و زبان شیوا به رشته تحریر آمده و در تورات ثبت میباشد.

آیت دهم ، فصل ۴۹ سفر پیدایش مندرج در تورات ، در يك قسمت از وصایا چنین خوانده میشود:

(عصای سلطنت از یهودا، و شریعت گذاری از میان پاهایش جدا خواهد شد تاشیلوه بیاید.) کلمه شیلوه در تمام زبانها که از تورات ترجمه شده به حال خودش باقیمانده، یعنی ارتصرف در امان مانده . این کلمه شیلوه نه بلکه شیلواح باید باشد که معنی فرستاده ، هو ، هوه و یهوه ، به عبارت دیگر فرستاده خدا را افاده میکند که عیناً با عبارت رسول الله تطبیق میشود. یهودیان یا عیسویان مدعی هستند که این پیش گوئی حضرت یعقوب درباره حضرت مسیح است، در صورتیکه یهودیان عصر حضرت عیسی علیه السلام آنحضرت را پیغمبر میشناختند اما به صورت مسیح قبولش نداشتند و به این عقیده بودند که مسیح موعود به شمشیر مسلح میباشد، قدرت جهانی میداشته باشد، قلمرو فرمانروائی داوود پیغمبر را مجدداً تسخیر میکند و توسعه میدهد، بنی اسرائیل سرگردان و پراکنده را دوباره به زمین کنعان میآورد، بسیاری از امت های دیگر را مطیع و منقاد قدرت خود میسازد بدین لحاظ در نظرشان امکان نداشت که عیسی مسالمت جو و واعظ تبه زیتون آن مسیح موعود باشد.

حضرت عیسی هیچ شریعت مکتوبی از خود نگذاشت . هرگز در فکریه دست گرفتن قدرت نبود، بلکه به زبان خود به یهودیان میگفت، به قیصر روم وفادار بوده به او خراج بپردازید، یهودیان که او را پادشاه خود اعلان کردند نماندند و از نظرها خود دور نگهداشت و این وظیفه را رد کرد. به علاوه شریعت موسی را رد نکرد و گفت برای تکمیل دین نیامده و خاتم پیغمبران هم نبود و بارها اظهار داشته که مکمل و متمم ادیان آسمانی پیامبری به نام احمد که خاتم پیامبران است بعد از من میاید . الحق طوریکه ملاحظه می شود محمد ص مجهز با قران و نیروی نظامی آمد، اسلام را جانشین عصای سلطنت کهنه و موریا نه خوردگی یهود ساخت و مقررات غیر عملی شریعت موسی ع، قربانیهای غیر لازم و روحانیت فاسد آنرا از میان برداشت ، پاکیزه ترین دین خدای واحد را به جهان اعلام کرد.

حضرت داود خلیفه الله محمد ص را سرور من و سردار من نامیده است

حضرت داوود در مزمور ۱۱۰ کتاب مزامیر مندرجه تورات آیتی وجود دارد که آنرا نویسندگان اناجیل ونیز انجیل متی بند ۱۴ باب ۲۲ - انجیل مرقس بند ۲۶ باب ۱۲ وانجیل لوقا باب ۲۰ بند ۴۲ نقل کرده اند آیت مذکور چنین است:

(یهوه به ادن من گفت ، به دست راست من بنشین تا دشمنانت را زیر پای تو اندازم).

کلمه یهوه که در زبانهای آرامی وسامی یهوه تلفظ می شد اسم خاص برای خداوند است کلمه دوم ادن است که به مفهوم فرمانده ، رئیس ، ارباب ، سرور ، سردار ، سید و آقا است که بیت اول آن مزمور چنین میشود . «خداوند به سردار من گفت » در حالیکه خود حضرت داوود پادشاه وسلطان قوم یهود بود ، پس سردار وسید او کیست؟؟ درینجا متوجه میشویم که غیر از خداوند قادر متعال هیچ ذات دیگریکه در تصور بگنجد جز شریف ترین فرد بشر در مقام سرور و سردار حضرت داوود وجود ندارد، ولی این مسأله قابل تصور است که در پیشگاه خداوند، انسانی در مقام والاترین نمونه بشریت قرار گرفته و مسلماً انبیا و پیامبران باستانی از وجود آن اطلاع داشتند که علاوه بر آن پیامبران که نظریات شان را قبلاً عرض کردم حضرت داوود ع نیز آن عالیجناب را سردار من نامیده است . ربانیون و دانشمندان یهود این گفتار حضرت داوود را مربوط به حضرت مسیحا می دانستند که از خاندان داوود باید در آینده بیاید . اما حضرت عیسی در مقابل سؤال پیروان خود که سرور و آقای حضرت داوود پیغمبر چه کسی خواهد بود؟ فرمودند اگر آن مسیح پسر داوود باشد چگونه است که حضرت داوود اورا سردار خود میدانند؟ شاگردان یعنی سؤال کنندگان خاموش میشوند وحضرت عیسی با اظهار این جواب ادن از خاندان داوود نیست از قبول این لقب شانه خالی میکند و در آن باره تفصیلات و توضیحات میدهد متاسفانه اناجیل چهارگانه از آنجائیکه منافع کلیسایی وامپراتوری آنها در خطر واقع میشد از توضیح جواب آن پیامبر راستین، عاشق حق و حقیقت مبلغی که در برابر هیچگونه سؤالی خاموش نمانده و مانند دریای خروشان صحبت میکند و به قناعت شاگرد ها و دیگر سائلان وجویندگان و یا شنوندگان میپردازد شانه خالی میکنند اما برنابا آن حواری بزرگ عیسی ع در انجیل خود، نه تنها این حقیقت را ضبط کرده، بلکه جملات حضرت عیسی ع درباره حضرت ختمی مرتبت به عینیه نوشته و به همین سبب کلیسای تثلیث پرست آن انجیل را موثق نشناخته ورد میکنند. در همین انجیل در ادامه بیان حضرت عیسی ع در مورد ادن حضرت داوود ع چنین نگاشته شده (میثاق میان خداوند ج و حضرت ابراهیم خلیل در مورد اسماعیل بسته شده و آن ستوده ترین وباشکوه ترین انسان از اعقاب اسماعیل میباشد . ، نه از پشت داوود واسحق). طبق گزارش این انجیل حضرت اسماعیل بارها در باره محمد ص سخن گفته وفرموده، خود او روح محمد ص را در بهشت رویت کرده است تنها اعتراض اساسی دنیای تثلیث پرستان به رسالت الهی محمد در مقام پیامبر، آنست که مکتب تثلیث پرستی را محکوم کرده در تورات خدای دیگر جز الله وجود ندارد وسردار حضرت داوود ع نیز در کنار خدای واحد قرار داشت. طوریکه قبلاً عرض کردم هیچ یکی ارادیان آسمانی جز اسلام نام به خصوصی نداشته و ندارد، دین موسی، یهود و عیسوی میگویند، در حالیکه نه دین موسی نه از یهودا و نه از عیسی میباشد، بلکه دین ارسالی خدای یگانه است. به عبارت دیگر دین راستین خداوند به حق را نمیتوان از طریق بندگان خدمت گذارش و به صورت حقیرتر با استفاده از نام مردم وکشورها نامگذاری کرد.

حضرت ابراهیم و پسران و ذریه اش بر اساس آیت قران پاک ((ما کان ابراهیم یهودیا ولانصرابیا ولاکن کان حنیفاً مسلماً وما کان من المشرکین) نه یهود بودند و نه عیسوی بلکه حنیف و مسلم بودند. در واقع قداست و حرمت نام اسلام خود پدیده ای است که دشمنان را می لرزاند. به جرأت میتوان اظهار داشت فقط مذهب شالوم یا اسلام میتواند شاهد حقیقی خصلت و رسالت پیامبر به حق، یاهر خدمتگذار راستین خداوند بر روی زمین باشد. خدایکی است و خدای

یکتا دین یکتادارد، هیچ مذهب و دین دیگری درین کره ارض که ما در آن زندگی میکنیم مانند اسلام از توحید مطلق خداوند دفاع نمیکند.

حضرت یحیی پیامبر نیز بشارت ظهور پیامبر نیرومند را داده است

این پیامبر به حق که پسر زکریا علیه السلام میباشند که در قرآن کریم نیز ذکر شان آمده و به اساس روایات اناجیل و تفسیر معروف به خواجه عبد الله انصار پسر خاله حضرت عیسی ع است که چند ماه خورد وکلان میباشند. بنا به عقیده جناب عبدالاحد داوود اناجیل چهارگانه کلیسای تثلیث، درباره این دو پیامبر، مطالب ضد و نقیض فراوان بیان میدارند. اکثراً مطالب مندرجه یکی به دیگر انجیل اصلا مطابقت ندارد و یا اگر يك انجیل، درباره یکی ازین دو رسول به حق چیزی نوشته، دیگر آن خاموش مانده، و اظهار بیخبری نموده، و یا طوری نوشته که مخالف عقیده و نوشته انجیل دیگر میباشند. در انجیل چهارم مینویسد که (یحیی معمدان پس از غسل تعمید، حضرت عیسی ع او را شناخت. انجیل لوقا مدعی است که یحیی ع، عیسی ع را در زمانیکه در رحم مادر بیش از جنین نبود می شناخت و او را پرستش میکرد. انجیل متی یاد ورمیشود که حضرت یحیی موقعی که در زهدان بود به عیسی ع پیام میفرستد و از وی میپرسد تو کیستی؟ و کیفیت واقعی رسالت چیست؟ در انجیل دیگر نوشته شده، کاهنان و لایوان از یحیی ع میپرسند، آیا تو مسیحا هستی؟ آیا تو الیاس هستی؟ آیاتو پیغمبر موعود هستی که همه منتظر آن میباشند؟ همین که حضرت عیسی به هر سه سؤال جواب منفی میدهد، میگویند پس چرا غسل تعمید میدهی؟ با ملاحظه انجیل یوحنا واضح میگردد که یحیی معمدان نه مسیحا بوده و نه الیاس و نه آن پیامبر موعود که همه منتظر وی بودند. از سوی دیگر انجیل متی در باب اول بند اول از حضرت عیسی نقل میکند که گفت: (هیچ انسانی زاده از مادر از یحیی بزرگتر نیست) آیا باید حقیقتاً قبول کنیم که حضرت عیسی چنین فرموده؟ اگر فرضاً این را بپذیریم، پس درینصورت حضرت یحیی که نه کتابی دارد و نه دینی را اعلام کرده و نه در راه دین خود پیروانی دارد نسبت به ابراهیم خلیل الله، موسی کلیم الله، داوود خلیفه الله و حتی عیسی روح الله بزرگتر است؟ نویسندگان اناجیل متی و لوقا میگویند که عیسی فرموده یحیی معمدان همان الیاس نبی است، ولی انجیل یوحنا می نویسد که حضرت عیسی گفته نه الیاس است نه مسیحا و نه آن پیامبر موعود.

اکنون به این نتیجه میرسیم که ازین اناجیل ضد و نقیض نتیجه نمیتوان گرفت و بحث ما هم روی همین دو پیامبر است که حضرت عیسی بدون پدر و حضرت یحیی از او لدینی متولد شده که پدرش یعنی حضرت زکریا عنین و مادرش عقیم بودند. اگر گویندگان اناجیل اصلی، یاران حقیقی حضرت عیسی باشند که در گفتار آنها کوچکترین سهو و لغزش و اشتباه نمیباشد، در حالیکه متاسفانه دیده میشود که اناجیل اربعه موجوده که به نام اناجیل اصلی برخ مردم می کشند پراز سهو، اشتباه و دروغ، بی حرمتی و گمراهی مردم بیچاره و بی معلومات است. حقایق و دین اصلی الهی مستور گردیده و مذهب خود ساخته را که آرزو های يك مشت روحانیون و امپراتوران خودخواه را برآورده ساخته، جبراً و تحت فشار در محل تطبیق قرار داده اند. ازین دنیای تاریکی که يك عده مغرضین به وجود آورده و دین عیسی را معشوش ساخته، بیرون شدن فقط در پرتو نور اسلام امکان پذیر است و بس.

حضرت عیسی ع بشارت ملکوت خدا، اسلام را داده است

این مژده توسط حضرت عیسی ع در ضمن تعالیم شفاهی در مواظ عمومی ابلاغ گردیده است. حضرت عیسی ع این رسالت خود را با کمال امانت داری و صداقت به بنی اسرائیل ابلاغ کرده و بارها گفته است که خودش بنیان گذار حکومت خدا نیست، ولی آمدن او را بشارت میداد. روی همین دلایل بود که هرگز چیزی ننوشت و هیچکس دیگر را نیز موظف نساخت که انجیل را که در فکر و روحش ثبت گردیده بود بنویسد. اگر انجیلی که در دوران حیات حضرت

عیسی ع ، یاحتی کتاب و اسفاری به تأیید خود حواریون حقیقی آن تحریر گردیده شده، موجود میبود، سخنان و تعالیم پیامبر ناصره برای مؤمنان جهان تاهنگام ظهور فریقلیط، یعنی احمد باقی میماند و عیسویت آله دست يك مشت عناصر استفاده جو و امپراتوران خودخواه و روحانیون جاه طلب نمیگردید ؟ تورات و اناجیل کنونی شامل يك سلسله مطالب و آیاتی است که هیچ انسان مؤمن و معتقد به خداوند یکتا نمیتواند آنها را وحی آسمانی و پیام الهی و یا گفتار پیامبر و یا پیرانش قبول کند به تأیید این ادعا اگر اجازه فرمائید چند آیت مندرجه تورات را طور نمونه به عرض میرسانم:

سفر پیدایش فصل ۱۶ آیات ۱ الی ۱۲

موقعیکه بی بی هاجر با اسماعیل فرزند کوچکش در بیابان سوزان سرگردان و روان بود، از جانب خدا وند جل جلا له به وی وحی آمده و میفرماید (پرشان مباش و پیش برو ذریه تور اچنان بسیار نمایم که شمارش در نیابند و اضافه میکند اسماعیل رابار و پرثمر خواهم کرد). اما جعل کاران عیسوی کلمه اصل عبری متن تورات را که به معنی بار و پرثمر و از ریشه عبری معادل کلمه وفر «فور» در زبان عبری است به چیز دیگر تبدیل کرده و آنرا «خر وحشی» یا «وحشی» معنی کرده اند.

آیا این شرم آور و گناه نیست که يك پیامبر خدا را که خداوند بارور و پرثمر نامیده، به خاطر تعصبی که حضرت محمد نوه اسماعیل و پیامبر آخرین شناخته شده و حضرت عیسی ع نوه اسحق و آن پیامبر موعود نیست با چنین کلمه موهن یاد آوری شود ؟

در جای دیگر تورات نوشته اند

(حضرت یعقوب برادر گرسنه اش « عیسو » را با کاسه شوربای عدس فریب داده و حق بکوریت را از وی گرفت). یا در یکی از صفحات آن تذکر یافته (حضرت یعقوب حقه بازی کرده ، پدر را فریب داد و خود را به پدر که چشمانش نمی دید عیسو معرفی کرده و دعایش را در حق خود حاصل کرد).

همینطور جای دیگر تورات نوشته اند (پسر یعقوب بنام رعوین، بازن صیغه ای پدر خود زنا کرد). همچنین در جای دیگر میخوانیم (پسران دیگر یعقوب میخواستند پدر را به قتل رسانند). طبق متن سفر پیدایش (یعقوب حق بکوریت نوه بزرگش منسه را خلاف مقررات دینی به نوه کوچکش افرانیم میدهد).

از اینها گذشته در تورات که آنرا کتاب آسمانی و پیام خالق کاینات میدانند درباره پیامبر و انبیای خدا مطالبی خوانده میشود که شرم آور و تکان دهنده است و آن اینکه (از زن زانیه یعقوب دو پسر به نامهای دان و نفتانی تولد میشود، دومی با نا دختری خودش به نام تا مارا زنا میکند و ازین پسر تولد میشود که جد حضرات داوود و عیسی ع میباشد. به علاوه نوشته آن حضرت یعقوب مخالف مقررات آسمانی با دو خواهر در يك موقع ازدواج کرد).

تورات سفر پیدایش فصل ۱۹ ، آیات ۳۰ تا ۳۸ نوشته شده که

حضرت لوط پیامبر در حالت مستی با دختران دوگانه خویش زنا میکند .

تورات سفر پیدایش ، فصل ۳۸ ، یهودا نبی ، که قوم یهود به نام آن نامیده میشوند

(یهودا نبی برای پسر اول خود زنی به نام تامارا میگیرد که پسرش ، کشته میشود و زن بیوه وی را همسر پسر دومی خود میسازد . تامارا زنی فاحشه ساخته و با خسر خود یهودا پیغمبر میخوابد و از وی حامله میشود ، این عروس «تامارا» بعداً به یهودا نبی میگوید این پسر از تو است).

کتاب دوم شمونیل پیغمبر ، فصل ۱۱ آیات ۲۰ و ۲۱ چنین نوشته شده

(حضرت داوود ع ازبام منزل خود زن همسایه را می بیند عاشق وی گردیده با وی میخوابد، بعداً شوهرش را به جنگ میفرستد همینکه وی کشته میشود باز نش ازدواج میکند).

در کتاب زکریا نبی فصل ۹ آیت نهم چنین میخوانیم :

حضرت عیسی ع بر دو الاغ «خرماده و کره آن» سوار شده وارد اورشلیم میشود. آیا این مسخره نیست که درباره پیغمبر اولوالعزم و به حق خداوند چنین مینویسند: ازینگونه مطالب ضد و نقیض و مضحك و تأسف آور و غیر قابل باورد در کتابی که يك عده مغرصین قدرتمند و جاه طلب به نام کتب و اسفار مقدسه تحریر و در معرض استفاده ارادتمندان غافل قرار داده اند پر میباشد درحالیکه در قران کریم هیچگونه جرم و معصیتی به یکی از پیغمبران نسبت داده نشده و اصولاً تعلیمات قرانی به پیروان و همه انسانها آموخته است که پیامبران خدا معصوم به دنیا میایند و معصوم ازین جهان میروند و این از جمله فضایل قران بر سایر کتب مقدسه و موثق میباشد.

والسلام